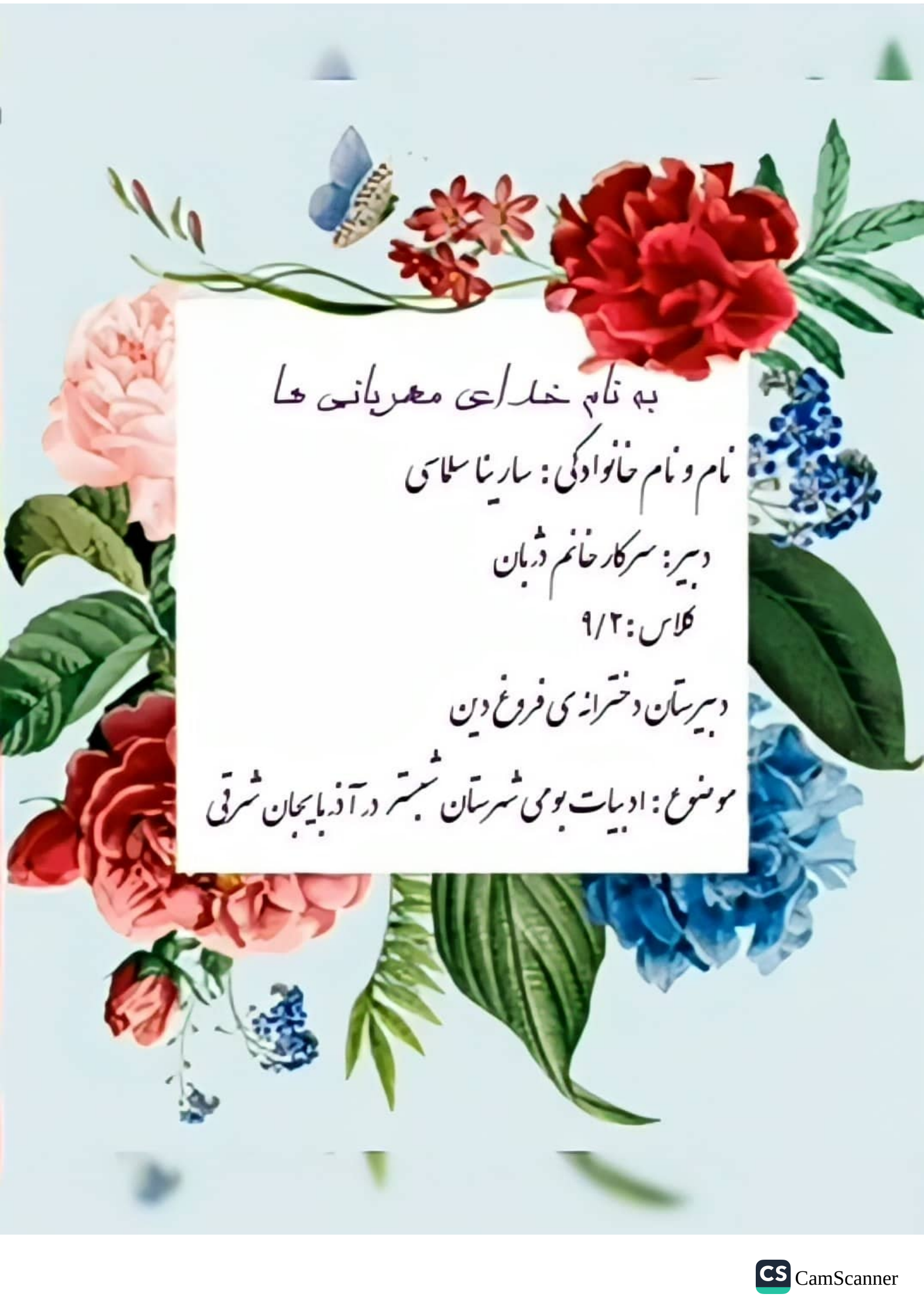




به نام خدای مهربانی ها

نام و نام خانوادگی: سارینا سلامی

دبیر: سرکار خانم ذبیان

کلاس: ۹/۲

دبیرستان دخترانه ی فروغ دین

موضوع: ادبیات بومی شهرستان شستر در آذربایجان شرقی

علت نام گذاری بستر و ریشه‌ی نام شهر

بستر معرب کلمه چوترا یا چوترا یا چوترا یا چوترا است و چی چست در لغت
زندگی به معنی کود و کوبساری باشد و ترپوند آن است و بر روی هم معنی کوبساری یا دانه کود می دهد.

باد نظر گرفتن اینک اغلب جنرانی بخاران قدیم نام دیپاچ ارویه را چی چست
ضبط کرده اند، این حدس به یقین تبدیل می شود که بستر نام خود را از این دیپاچ گرفته
و در حال از نام های قبل از اسلام است.

در افسانه های محلی که سبزین نقل شده است می گویند که نام بستر (شب بستر) بوده است
زیرا پادشاهان ساسانی ضمن لشکر کشی بر علیه امپراطوران روم در همین محل اخراج و استراحت می کردند.

شهرستان شمسیر که در فاتر مالیاتی سابق و مکاتبات اداری به نام (ارونق و انزاب)

مضبوط و در بین اهالی محل و شهرستان های مجاور به نام کوننی مشهور است

، در شمال غربی تبریز واقع شده است. بستر از شهر های قدیم آذربایجان است

که نام آن در کتاب های بسیاری آمده است. بخشی از آواز و بستر نیز به وجود بزرگانی چون شیخ محمود بستر

صاحب مثنوی گلشن راز و میرزا علی اکبر ممیز بستر شاعر طنز سرای برجسته آذربایجان مربوط

می شود.

موقعیت جغرافیایی شستر

شهرستان شستر از شهرستان های استان آذربایجان شرقی در ایران است.
مرکز این شهرستان شهر شستر است.



شهرستان شستر در غرب آذربایجان شرقی با مساحت ۲۷۵۰ کیلومتر مربع قرار گرفته

و در بین شهرستان های مرند، تبریز، ورزقان، اسکو، خوی، سلماس و دیپاکه اروپ قرار گرفته است.

شهرستان شستر از شهرستان های واقع در جاده ترانزیت تبریز-ارومیه بوده و در مسیر خط آهن ایران-ترکیه واقع شده است.

کوه میشوداغی با جهت شرقی-غربی با طول بیش از یکصد کیلومتر و عرض سی کیلومتر مانند دیواری سراسر شمال منطقه را می پوشاند

و این شهرستان را از شهرستان مرند و خوی جدا می کند. این کوه با دشت کوه های ارسباران قرار گرفته

و بلندترین قله آن علی غلدار می باشد.



آب و هوای شستر

آب و هوای شهرستان شستر در تابستان معتدل و در زمستان با سرد است.

اثر باد های مرطوب مدیترانه ای

که از فراز کوه های مرزی ترکیه و آذربایجان غربی می رسند، در این منطقه کاملاً نمایان است.

به علاوه رطوبت دیواره اروپا در این شهرستان موثر است.

روز های پنج بندان سالانه در شستر کم تر از ایام پنج بندان در سایر مناطق آذربایجان است.

مبور خط دهماران

به میزان ۶۰۰ میلی متر در سال که بیشتر در محدوده آن واقع شده

در وضع بارندگی این شهرستان تاثیر محسوسی دارد.

به طور کلی آب و هوای شهرستان شستر معتدل و نیمه مرطوب بوده

و در شهر شستر (مرکز شهرستان)

بیشترین درجه حرارت در تابستان ۲۸ درجه بالای صفر و

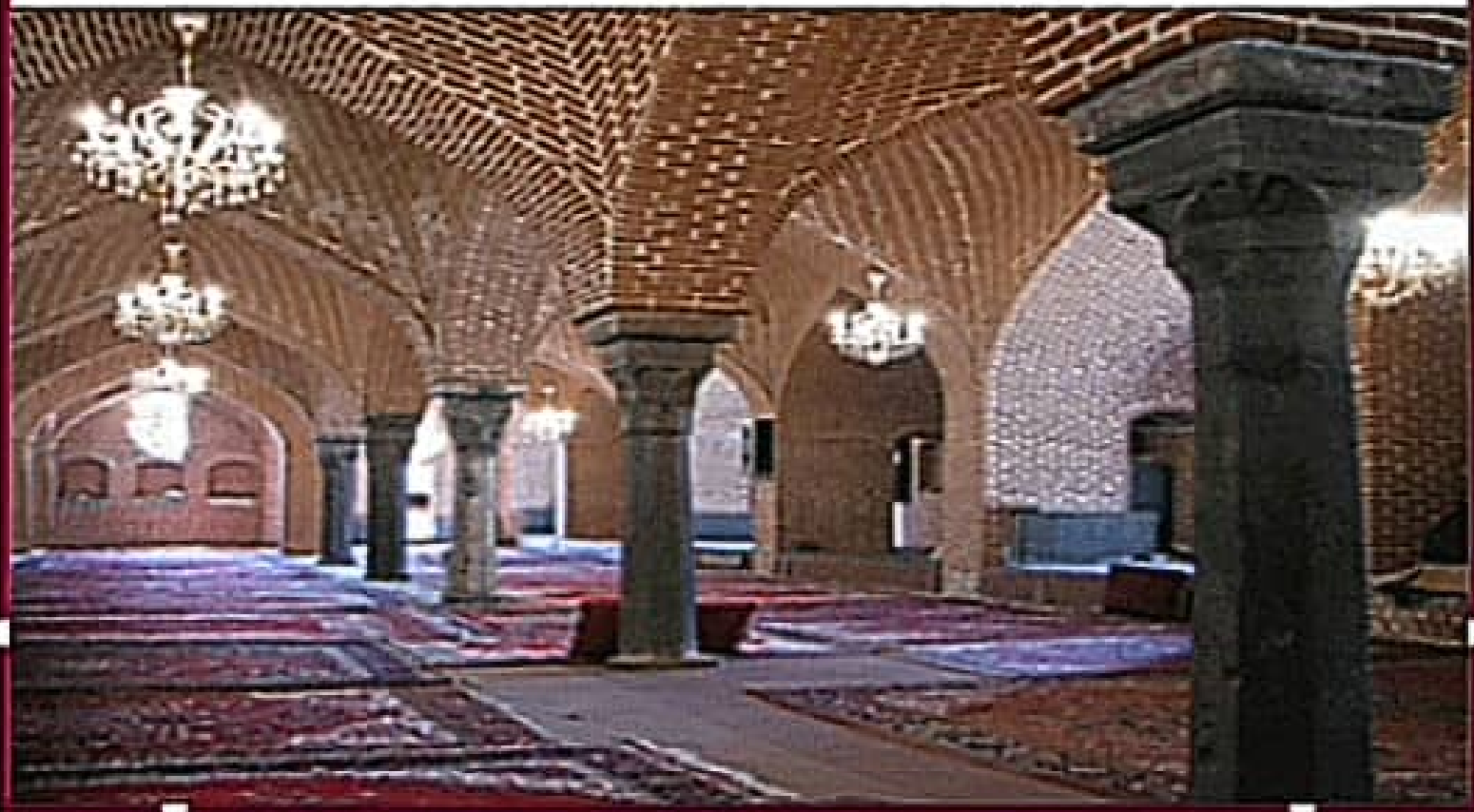
کمترین آن در زمستان ۱۸ درجه زیر صفر است.

میزان باران سالانه در شهر شستر به طور متوسط در حدود ۲۵۰ میلی متر است.

جاذبه های گردشگری شبستر

مسجد جامع تسوج شبستر:

مسجد تسوج شبستر یکی از آثار بسیار قدیمی مذهبی است.
بر پیشانی مدخل آن فرمانی صفوی مربوط به قرن دهم هجری قمری با خط ثلث
برجسته بر روی سنگی نقش شده است.
این مسجد ۲۴ ستون و ۳۵ کنبه آجری دارد.



جاذبه های گردشگری شبستر

مقبره شیخ محمود شبستری:

این آرامگاه، در وسط شهر شبستر در وسط باغی موسوم به باغ گلشن، قرار دارد

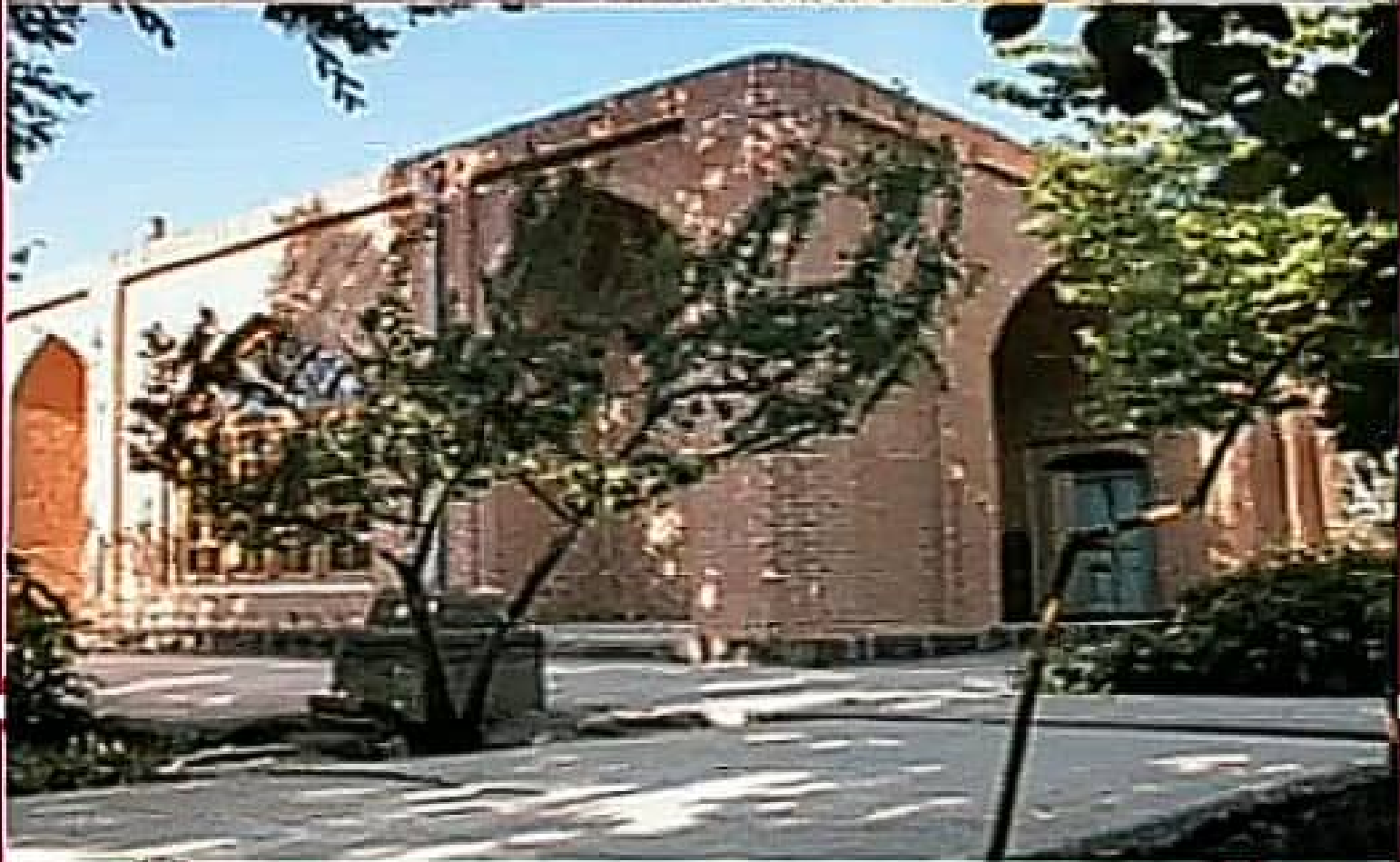
و محل دفن سعدالدین محمود بن عبدالکریم بن

یحیی (از مشاهیر و عرفای آذربایجان و خالق مثنوی معروف گلشن راز) و اساتذش بهاء الدین یستوب تبریزی است.

تاریخ بنابه او آخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری مربوط است.

و به دست حاج میرزا آقاسی وزیر محمد شاه قاجار تجدید بنا شد.





جاذبه های گردشگری شهرستان

آبشار سرکندیزج شهرستان

این آبشار دیدنی، در شمال روستای سرکندیزج، واقع شده
و یکی از مهم ترین مناطق تفرج و گوییمایی در منطقه شهرستان
به حساب می آید.

مسیر روستا از ۱۸ کیلومتری شرق شهرستان جدا شده و یک جاده آسفالته در ۵ کیلومتری شما
را به روستای سرکندیزج می رساند.



جاذبه های گردشگری شبستر

بلغ گلشن راز شبستر

آرامگاه سعدالدین محمود بن عبدالکریم بن

بجی موسوم به شیخ محمود شبستری به همراه مزار استاد او بهاء الدین یعقوب تبریزی
در باغ گلشن راز شبستر قرار گرفته است.



شاعران و عارفان شستر

شیخ محمود شبستری



شیخ محمود شبستری یکی از بزرگان ادب و
عرفان پارسی در سال های پایانی قرن، هشتم و
اوایل قرن، نهم هجری محسوب می شود.
وی به سال ۸۷۶ ه. ق برابر با سال ۱۴۸۱ میلادی در دهان شهر درگذشت.

این میان گرچه روزگار مجال دیدن بیش از ۳۳۰ سال را به وی نداد اما وی در همین مدت کوتاه آثاری به جای گذاشت
که حرکت در عرفان و ادب پارسی جایگاه ویژه ای دارد. آثاری، همچون مثنوی سعادت نامه مرآت المحققین،
زمان و مکان، معراج، شاهنامه، کثرات حقایق و حتی ایتن فی معرفه رب العالمین نخواست های وی را شامل می شوند.
اما آنچه شیخ را شهر و ایران و جهان ساخته مثنوی کهن راز اوست

که در سال ۷۱۷ ه. ق در پاسخ ۱۷ سوال از مسائل عرفانی ائمه خراسان سروده است.

شاعران و عارفان شستر

میرزا علی معجز شستری



میرزا علی معجز شستری فرزند حاجی آقا، در سال ۱۲۵۲
هجری شمسی در شستر که در آن زمان قصبه‌ای کوچک بود
تولد یافت. میرزا علی در کتب خانه خواندن و نوشتن را آموخت
در سن شانزده سالگی (۱۲۶۷-۱۲۶۸ هجری شمسی) مدرش فوت شد.

بعد از فوت پدر برادرانش که در استانبول به تجارت مشغول بودند، علی جوان را به استانبول بردند.
علی در استانبول فرصت تعلم و مطالعه بدست آورد و ضمن کمک روزانه به برادران خود به مطالعه در تاریخ و
ادبیات پردازد. علی را مشق وطن و در غربت آزار میداد. به همین جهت بعد از حدود سیصد سال و

اندکی زندگی در غربت استانبول به شستر باز میگردد

و از آنجا که از مریدان عارف مشهور ایران شیخ محمود شستری بود، به شتر اوقات

خود را بر سر مرزار او حاضر میداد و خلوت انس با مراد خود به نوشتن

شعری پرداخت.

او در نوحه خوانی از دلآوری های سالار شهیدان و شهدای خاشورا و شجاعت

و حقیقت کوئی زیر لب کبری سلام الله علیها میگوید.

در آن زمان نفی قه زنی و معرفی چهره واقعی امام حسین علیه السلام و بزرگداشت

خاتره خاشورا مطابق با شان شهدای آن روز خونین کربلا و پر سیراز کزانه کوئی

و اخلاق در مورد فراین دینی و سرگذشت چهار دو مقصوم برای اولین بار از زبان معجز شنیده می شود.

معجزه استابول نیز به زبان ترکی آذربایجانی شعری سرود و مردم را با دینار و احوال و مشکلات

پیش روی جامعه ایران آشنا ساخت. علی برای این باور بود که او نیز مثل سیرزا علی اکبر

خاتره زاده (مختلص به صابر صاحب مجموعه اشعار بوپ بوپ نامه) در بیداری مردم خود باید بکوشد.

و به همین علت در هر یک از اشعار خود یک معضل و مسأله اجتماعی اشاره دارد.

معجزه بیان سرگذشت خود می نویسد: بعد از بازگشت به وطن به نوحه خوانی مشغول شدم.

ولی نوحه خوانی و بیان حقایق در اشعار نوحه برای واپسگرایان خوش نیامد و

به من اعلان جنگ نمودند. بیست و شش سال با اینها جنگیدم.

طوری شده بود که خیرات میدادند و عروسی میکردفتند و مراد عوت میکردند.

فقط نوشتم و در گوشه و کنار روزگار گذراندم. تا اینکه در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی به لیل اقبال فشار داشتند و مرا ترک

در شهرستان شاهرود نزدیکی از اقوامش که گویا با نافتش بوده میرود و یکسال بعد در سال ۱۳۱۳

هجری شمسی در آن شهر به دیار باقی میماند.

کلیات
میرزا علی معجز
شیرازی

قصه حسن کرد بستری

قصه حسن کرد بستری قصه‌ای خاسانه به زبان فارسی است که نویسنده آن ناآشکار است.

این داستان حکایت بیلی از قهرمانی عیاران را نشان می‌دهد و

شرح جنگ بی افغان آمیزی میان پهلوانان حق و باطل است.

مازلت این قصه را مربوط به اواخر دوره قاجاری می‌داند

اما اشاری با توجه به اصطلاحات خاص اداری و اجتماعی به کار رفته در کتاب و فضای کاملاً صنفی متن بعید می‌داند که این اثر مربوط به دوره قاجار باشد. قصه حسن کرد بستری در دوره صفویه جریان دارد.

حسن کرد یکی از پهلوانان ایران است که در آغاز مهتر و ساگر د پهلوان مسیح کلبه بند تبریزی از پهلوانان دبار شاه عباس صفوی بود. حسن کرد پس از اختلاف با بمسر مسیح، تبریز را ترک می‌کند و

در اصفهان به جمع پهلوانان شاه عباس می‌پیوندد.

زمانی که حسن کرد مالیات هفت ساله ایران را از پادشاه هند گرفت و به دبار شاه آورد، شاه عباس به او خلعت

فراوان داد و از آن پس، حسن کرد از نزدیکان شاه شد.

جایگاه او در میان پهلوانان شاه عباس، همچون جایگاه رستم در جمع پهلوانان شاهنامه است.

مراسم عزاداری و آیین محرم در آذربایجان شرقی

استان آذربایجان شرقی با مرکزیت شهر تبریز از جمله شهرهایی است

که در ایام ماه محرم، سرتاسر وجودش را غم و حزن فرا گرفته و تمام گوشه و کنارش حال و هوای غم گرفته

و مردمان این شهر با عزاداری و توبه و یثرب بایست محرم عشق و ارادت خود را نشانگر کسی می کنند

که حدود هزار و ۳۰۰ سال پیش در چنین روزهایی را دور رسم آزادی و آزاد مردی را به بشریت آموخت.

شاه حسین کویان نوعی مراسم مذهبی است که در ایام ماه محرم

در پیش تر قتل آذربایجان و به طور گسترده در تبریز برگزار می شود.

این مراسم از چند روز مانده به ماه محرم تا دهمین روز از دهمین ماه و ظهر عاشورا ادامه می یابد.

در زبان ترکی آذربایجانی، مردم به این مراسم «شلخ سی» می گویند که کوتاه شده واژه «شاه حسین» است.



مراسم عزاداری و آیین محرم در آذربایجان شرقی

شاخی واخی

از جمله دست‌های خاص در آذربایجان، دست‌شاخی واخی است
این دست که از دو گروه تشکیل می‌شود در یک گفت و گوی متقابل تکراری
به حرکت در می‌آید؛ خیابان و محلات می‌پردازند.
گاه آن‌ها در دو صف روبروی یکدیگر می‌نشینند. محل نشستن یا بیوت دست
در جلوی مساجد یا مراکز محلات است.
در ابتدای دست‌شاخی واخی یک نفر به نام دست‌باشی حرکت می‌کند و اشعار خاصی را می‌خواند.
بقیه عزاداران در حالیکه به رویف با یک دست دامن همدگر را گرفته‌اند
و با دست دیگر بر سینه می‌زنند، حرکت می‌کنند.

مراسم عزاداری و آیین محرم در آذربایجان شرقی

شیره خوانی

از معمولترین آیین های عزاداری حسینی در آذربایجان، شیره خوانی است.

شیره خوانی صورتی از بازسازی وقایع کربلاست که در آن افراد به شیوه های تجریدی به دو گروه اشتیاء و امام خوانها تقسیم می شوند.

اشتیاء با لباس سرخ و تیره و صدای نابینا و امام خوانها با لباس سبز و صدایی

دشنین و قیامی چون شهادت حضرت عباس، حضرت علی اکبر، حضرت قاسم و امام حسین (ع) را به نایش می گذارند.

کیفیت شیره خوانی، اجرای جزئیات، نوح شیره و نیز روز اجرای آن از منطقه ای به منطقه دیگر تفاوت پیدا می کند.

با این حال در بیشتر مناطقی که شیره خوانی وجود دارد، شیره با آخرین روزهای عزاداری حسینی اجرا می شوند.

شیره خوانی در برخی از روستاها و شهرهای آذربایجان از جمله شهرهای حریس، مرند، تبریز، خلدار، کرکر، شبستر و مراغه، مشهود

اجرا می شود. شیره خوانی در بسیاری از روستاها و شهرهای آذربایجان شرقی وجود ندارد

و افراد آن مناطق برای استناد و از این مراسم به قاطع دیگر می روند.



PHOTO: Nayer Mahamadi

مراسم عزاداری و آیین محرم در آذربایجان شرقی

شمع افروزی

شمع افروزی معمولاً در آذربایجان شرقی در بعد از ظهر تا صبح انجام می‌گیرد.

این مراسم در شهرستان بی‌تیریز، جلغا، مراغه، سراب، مرند با شکوه خاصی برگزار می‌شود.

در برخی مناطق کاه‌کروی از عزاداران گرد آورده و به ۲۵ تا ۴۰ حنیه یا مسجد می‌روند و در مقابل حرکت تعدادی شمع می‌افروزند.

و این راه‌نمایش آتش افروزی امام حسین (ع) در بنجام و دواع با یارانش میدهند، اجرا شود.



مراسم عزاداری و آیین محرم در آذربایجان شرقی

علم‌بندی

در حریک از محلات شهر مراغه دسته‌های عزاداری در اولین روز ماه محرم

نسبت به برپا کردن علم اقدام می‌کنند.

علم که به ارتفاع ۱۰ متر است عزاداران و تدراران تورات خود را آن بست در حالیکه سوگواری می‌کنند،

علم را برافراشت و در وسط میدان می‌کارند. امروزه علم با بیشتر فلزی اند.

جهت برپا کردن آن از جرثقیل استفاده می‌شود. بستن علم آغاز مراسم سوگواری است.



شب یلدا در آذربایجان شرقی

مسل زستان در آذربایجان بسیار طولانی و سرد است و یکی از آیین های ویژه آن شب چله است. مردم استان آذربایجان شرقی نیز به عنوان یکی از خط های زر خیز ایران زمین برای زنده نگه داشتن این شب به یادمانی برای خود آداب و رسوم ویژه ای دارند.

اکثر مردم استان آذربایجان شرقی در شب یلدا چله قارپیزی (هندوانه چله) می خورند

و معتقدند با خوردن هندوانه، لرزه و سوز سرما به نشان تأثیر نداشته و اصلاً سرمای زمستان را حس نمی کنند.

در آذربایجان سابقاً که ارتباطات به این آسانی نبود از او آخر تابستان مقدار زیادی هندوانه و خربزه در تور می گذاشتند و آن را از سقف آشیانه آویزان می کردند تا دانه های آن را خراب نشود و یا اینکه در کاوه قرار می دادند.

هندوانه مسترین خوراک شب چله مردم آذربایجان شرقی است.

اغلب مردم در این شب برنج، مرغ و آش شیر نخته و بعد از شام نیز از سبزیجات موجود در منزل شامل قاورقا (کندم برشته با سبزی)، آجیل، بوی، بویج، حلوائی کرده انواع میوه، خربزه، هندوانه و خشکبارهایی چون انگور، بادام و سبزی میل می کنند.



آمین عید نوروز در آذربایجان شرقی

دربار رفتارهای پسندیده‌ای از نیاکان ماسینه به سین و نسل به نسل تا عصر حاضر انتقال یافته که امروز بخش اعظمی از حلقه‌های فرهنگی مردم آذربایجان شرقی را تشکیل می‌دهد. و شناسایی ریشه‌ها و ناسحاتها و حرکات ام قصبه‌ای شیرین و شنیدنی دارد.

در این مین آیین های سنتی نوروز از جاکا و وژدای در مین مردمان

فرهنگ دوست آذربایجان بر خوردار بود و وجه ساد موار دی آیین بائی که دست روزگار غبار فراموشی روی آنها کشید با اندک تمکیزی جان تازه ای گرفته و بار دیگر در میان دیگر آیین ها خودنمایی می کنند.



آیین عید نوروز در آذربایجان شرقی

خانه تکانی

با فرارسیدن ایام عید اغلب خانم های آذربایجانی به فکر خانه تکانی، شستشو و گردگیری خانه و وسایل آن می افتند؛ خانه تکانی یکی از رسوم بسیار قدیمی عید نوروز بوده که در طول سالیان سال در جامعه کهن ایرانی به ویژه آذربایجان باقی مانده است و علاوه بر اعتقادات مذهبی هویت ملی ما را نشان می دهد.



آمین عید نوروز در آذربایجان شرقی

زیارت اهل قبور

همیشه در میان آذربایجانی ها خصوصاً شیعیان، برگزاری اعیاد ملی و مذهبی اغلب با دید و بازدید
وزیارت اهل قبور بوده و شادی های این روز را همراه با قرأت فاتحه و احسان کردن به
اموات خویش تقسیم می کنند

از این رو طبق رسم معمول روز قبل از عید اعم از اعیاد مذهبی مانند عید فطر و قربان یا اعیاد ملی،
در آخرین پنجشنبه سال باید به زیارت اهل قبور رفت و برای آمرزش گناهان
آنها فاتحه ای خواند، چرا که ارواح مردگان همیشه در چنین ایامی چشم به راه بوده
و طالب احسان و دعای مغفرت از سوی بازماندگان هستند.

آمین عید نوروز در آذربایجان شرقی

چهارشنبه سوری

چهار آتش افروزی در چهار چهارشنبه به عدد درغزی چهار اشاره دارد.
فیثاغورس عدد چهار را اصل و ریشه طبیعت جاودان می داند.
چهار جهت اصلی، چهار طبع انسانی، چهار عنصر حیات اشاره به امر واحدی دارد.
در آیین چهارشنبه سوری، عدد چهار حکایت از چهار وجه طبیعت دارد
که به تدریج عنصر واحد طبیعت، سال، مکان یا هر پدیده چهار وجهی را می سازند.
به این ترتیب اولین چهارشنبه منسوب به باد است، دومین خاک است،
سومین آتش و چهارمین آب که در این زمان از پنج بستان خاک کاسته می شود و زمین نفس می کشد.
صبح آخرین چهارشنبه سوری مردم بر سر آب رفته و از روی آن می پرند و می خوانند:
آتیل ماتیل چرشنبه (خاکل و باطل شود چهارشنبه)
بختیم آچیل چرشنبه (بختم باز شود چهارشنبه)



آمین عید نوروز در آذربایجان شرقی

رسم فراموش شده تکمیل می‌گردد

از دیرباز رفتارهای پندیده‌ای از نیاکان ما ایرانیان سینه به سینه و نسل به نسل انتقال یافته
که امروز بخش اعظمی از حلقه‌های فرهنگی مردم کشور را تشکیل می‌دهد
و شناسایی ریشه و خاستگاه هر کدام قصه‌ای شیرین و شنیدنی دارد.

در این بین آیین‌های سنتی نوروز از جایگاه ویژه‌ای در بین مردمان فرهنگ دوست ایران برخوردار بوده
و چه بسا در مواردی آیین‌هایی که دست‌روزرگار غبار فراموشی روی آنها کشیده‌اند، تکمیری جان تازه‌ای گرفته
و بار دیگر در میان دیگر آیین‌ها خودنمایی می‌کنند.

ناگفته پیداست که موسیقی و شعر به عنوان مکمل و حافظ اصلی بخش اعظمی

از همیشه فرهنگ دیرین ایرانیان به شمار می‌رود

و بسیاری از اعتقادات و آیین‌های مردم این کشور در میان کلمات

و اشعار شاعران و قهاریان به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد.

آمین عید نوروز در آذربایجان شرقی

در این بین سیرامه نیست اگر بگویم بسیاری از آداب، آیین ها، ادبیت تاریخی، ترانه های شفاهی و فولکلورهای کشور از طریق نثارت و ابحان موسیقایی، خود را از گزند دگرگونی اعصار مصون ساخته و به واسطه ذهن پرشور و حافظه سیال راویان در اختیار نسل های کنونی قرار گرفته است. تکلم چی باو سیاهچی بانسیرب عنوان خنیاگران خط آذربایجان راویان و آوازخوانان دور و گدیی بودند که در آخرین روزهای زمستان با آوازهای خود نوید بسیاری تازه را می دادند. این آیین بارامی توان از آمین های مشرک مردم آذمی زبان کشور دانست که در استان ایلی مانند آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان در روزهای پایانی سال و نوروز برگزار می شود.



